

ردیابی ۳۵ رباعی منسوب به مولانا در نسخ خطی و چاپی دیوان سنایی و متون کهن‌تر

مهناز نظامی عنبران^۱ ✉
رحمان مشتاق‌مهر^۲
یدالله نصراللهی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

چکیده

از شاعرانی که می‌توان رباعیاتش را به اشکال مختلف در میان رباعیات دیوان کبیر مولانا ردیابی کرد سنایی است. بعد از بررسی «نزه‌المجالس» و چندین نسخه خطی معتبر از دیوان سنایی، تعداد رباعیات مشترک و مشابه دیوان چاپی سنایی به تصحیح مدرس رضوی و دیوان کبیر مولانا به تصحیح فروزانفر از ۲۶ به ۳۵ رباعی افزایش یافت. برای تحلیل انتساب دقیق رباعیات مشترک و مشابه این دو شاعر، علاوه بر منابع مذکور، آثار نظم و نثر دیگر شعرا و نویسندگان پیش از مولانا نیز بررسی شد. از مجموع ۳۵ رباعی مشترک و مشابه، براساس تحلیل داده‌ها، ۲۴ رباعی از دیوان کبیر قطعاً متعلق به سنایی است یا از رباعیات او تضمین و اقتباس شده‌است. ۸ رباعی نیز به احتمال زیاد از سنایی است و ۳ رباعی دیگر، علاوه بر سنایی به شاعران دیگری نیز منسوب شده‌است. از رباعیات سنایی، فقط ۴ رباعی به شکلی کامل و بدون تغییر در دیوان کبیر آمده، در سایر موارد رباعیات با تغییراتی در چند واژه تا سه مصرع همراه است.

واژگان کلیدی: دیوان سنایی، دیوان کبیر، رباعیات مشترک، نسخ خطی، متون کهن

✉ Mahnaznezami10@yahoo.com

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی - ادبیات عرفانی، دانشگاه

شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲ و ۳. به ترتیب استاد و دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

۱- مقدمه

از آثار و مکتوبات مولانا می‌توان دریافت که او با آثار ادبی عرفانی و غیرعرفانی پیش از خود به خوبی آشنا بوده و از آنها تأثیر گرفته‌است، اما تأثر مولانا از اندیشه‌ها و آثار یک اندازه نیست و درجاتی دارد. «بیشترین تأثیر در این میان از آن سنایی است و در نخستین نگاه به دیوان شمس و دیوان سنایی این تأثیرپذیری خود را آشکار می‌کند و تا بدانجاست که نیازی به آوردن شاهد وجود ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). سنایی از نظر اندیشه و سبک بیان شعری بسیار بر مولانا تأثیرگذار بوده و از این حیث حتی در مرتبه‌ای بالاتر از عطار قرار دارد. مولانا بارها سنایی را در اشعارش خطاب قرار داده و با القاب و اوصافی چون «حکیم الهی»، «حکیم غزنوی»، «حکیم پرده‌ای»، «شاه و فائق» و ... یاد کرده و شیفتگی و ارادت خویش را به او نشان داده‌است. مولانا در مواردی فقط مضمون و محتوا را از سنایی گرفته و متناسب با ذوق و سبک خاص خود آن را به نظم کشیده، و گاه عین عبارت را تضمین کرده‌است. بر همین اساس پژوهشگران به بررسی و تبیین نوع و چگونگی تأثیرگذاری بر آثار مولانا پرداخته و اغلب با نگاهی فرمالیستی، با عنوان «بینامتنیت» این تأثرات را بررسی کرده‌اند.

در ویراست ارزشمند و منقح بدیع‌الزمان فروزانفر از دیوان مولانا، ۱۹۸۳ رباعی به مولانا منسوب است. در این اثر نیز مستقیم و غیرمستقیم (اقتباسی)، رد پای رباعیات متعددی از شعرای پیش از مولانا می‌توان یافت. فرانکلین دی لویس (۱۳۸۳: ۴۱۶)، فروزانفر در مقدمه جلد هشتم دیوان کبیر (۱۳۶۳: ۱)، ریاحی در مقدمه نزهه‌المجالس (۱۳۷۵: ۵۶)، شعبانی (۱۳۸۹: ۲۹) و میرافضلی (۱۳۷۶: ۲۵) به رباعیات دخیل در مجموعه رباعیات مولانا اشاره کرده‌اند. «بعضی از این مجموعه رباعیات—مانند رباعیات مولوی (در کلیات شمس) و اوحدالدین کرمانی—فراهم کرده مریدان و معتقدان آنهاست که اهتمام و اعتقاد بلیغی داشته‌اند که هرچه شعر بر زبان مرادشان می‌گذشته است به اسم خود او به ثبت برسانند و مجموعه اشعارش را فربه نمایند» (میرافضلی، ۱۳۷۶: ۲۴-۲۵). با توجه به اینکه صوفیه اغلب بدون توجه به استناد و ذکر منبع، اشعار دیگران را بر زبان می‌آوردند و «اهل معنی و چه گفت بودند تا اهل صورت و چه گفت» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۱۴) مولوی هم احیانا اغلب به منبع رباعیاتی که از دیگران بر زبان می‌آورده اشاره نداشته و مریدان و مخاطبان بیاناتش را که اغلب حاوی رباعیاتی از دیگران بود به نام او ثبت می‌کردند و این چنین رباعیاتی از شعرای متقدم به دیوان کبیر راه یافت.

«بازشناسی منبع ۳۸ رباعی منسوب به مولانا در متون ادبی و تاریخی» (رحیمی زنگنه و همکاران، ۱۳۹۶) تنها مقاله در زمینه بررسی اصالت برخی از رباعیات مولاناست. در این پژوهش به بازشناسی رباعی‌هایی پرداخته شده که در متون کهن نشر فارسی به‌عنوان استشهداد شعری آمده و متعلق به شعرای متعددی است.

یکی از شعرایی که می‌توان رباعیاتش را در رباعیات دیوان کبیر ردیابی کرد سنایی است. مولانا صرفاً راوی رباعیات سنایی نیست بلکه اندیشه و سبک شعری سنایی در رباعیات مولانا به چشم می‌خورد. معروف‌ترین تصحیح دیوان سنایی از آن مرحوم مدرس رضوی است، اما به تصریح میرافضلی (۱۳۹۴: ۷) هیچ‌کدام از چاپ‌های پیشین دیوان سنایی جامع همه رباعیات سنایی نیست. در این مقاله به نسخ معتبر دیوان سنایی مراجعه شد تا علاوه بر یافتن همه رباعیات مشترک و مشابه سنایی و مولانا، با توجه به تاریخ کتابت این نسخ، در انتساب رباعیات مشترک به تحلیلی دقیق و جامع برسیم. بنابراین پس از مقایسه رباعیات دیوان سنایی به تصحیح مدرس رضوی، و دیوان کبیر به تصحیح فروزانفر، و مشخص شدن رباعیات مشترک، بار دیگر این رباعیات در هفت نسخه مهم و معتبر از نسخ دیوان سنایی جست‌وجو شد، لذا با توجه به اینکه شماری از رباعیات مشترک، فقط در نسخ متأخر دیوان سنایی وجود داشت، افزون بر واکاوی این نسخ، برخی از مجموعه‌های کهن رباعی مانند نزهه‌المجالس، سفینه تبریز و همچنین متون نثر کهن پارسی برای یافتن رباعیات مشترک بررسی گردید.

چهار نسخه از هفت نسخه خطی دیوان سنایی که در این پژوهش استفاده شد تاریخ کتابت دارند. سه نسخه دیگر فاقد تاریخ کتابت هستند که در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، با توجه به ویژگی‌های آنها تاریخی احتمالی برایشان آمده‌است. این هفت نسخه به ترتیب تاریخ کتابت عبارت است از:

- نسخه موزه کابل. «به سبب نوع کاغذ و طرز کتابت و شیوه خط و همچنین ویژگی‌های رسم‌الخطی، کتابت آن را نیمه دوم قرن ششم هجری حدس زده‌اند» (میرافضلی، ۱۳۹۴: ۷). چاپ عکسی این نسخه در سال ۱۳۵۶ خ در افغانستان انتشار یافته‌است. علامت اختصاری این نسخه در متن «کابل» است.

- دست‌نویس شماره ۱۳۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. متعلق به کتابخانه بایزید ولی‌الدین ترکیه و تاریخ کتابت آن دهم ربیع‌الاول ۶۸۴ ق است. در حال حاضر قدیمی‌ترین نسخه

- تاریخ‌دار از دیوان سنایی است و ۲۵۱ رباعی دارد. در متن با نام «بایزید ولی‌الدین» به این نسخه اشاره شده‌است.
- دست‌نویس شماره ۱۳۴۷۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تاریخ کتابت آن ۸۳۷ق و علامت اختصاری این نسخه در متن «مجلس A» است.
- دست‌نویس شماره ۲۳۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. سال ۱۰۰۳ق نوشته شده‌است. نام اختصاری این نسخه در متن «تهران» است.
- دست‌نویس شماره ۹۹۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. فاقد تاریخ کتابت است و احتمالاً در سده یازدهم هجری کتابت شده‌است. علامت اختصاری این نسخه در متن «مجلس B» است. پژوهشگر برجسته رباعیات فارسی، میرافضلی (۱۳۹۴: ۸) این نسخه را که احتمالاً در سده یازدهم کتابت شده، نسخه بسیار معتبری می‌داند که نسخه مادر کهنی داشته‌است اما محققان بدان توجه نکرده‌اند.
- دست‌نویس شماره ۵۲۴۱ کتابخانه ملک. در سده یازدهم هجری به خط نستعلیق خوشخوان کتابت شده‌است. نام اختصاری این نسخه در متن «ملک» است.
- دست‌نویس شماره ۹۹۷ از کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تاریخ نگارش ۱۲۷۴ق است. علامت اختصاری این نسخه در متن «مجلس C» است.

۲- بررسی رباعیات

مولانا اغلب رباعیات سنایی را متناسب با ذوق خویش و به مقتضای حال در مجالس تعلیمی و وجد و سماع بر زبان آورده‌است. در مجموع ۳۵ رباعی از دیوان کبیر، در میان رباعیات سنایی، به اشکال مختلف دیده شد که می‌توان آنها را با توجه به رباعیات مشابه سنایی در پنج گروه دسته‌بندی کرد:

۱-۲- شباهت کامل در چهار مصرع

۲-۲- شباهت در چهار مصرع همراه با تغییرات

۳-۲- شباهت در سه مصرع

۴-۲- شباهت در دو مصرع

۵-۲- شباهت در یک مصرع

۲-۱- شباهت کامل در چهار مصرع

فقط چهار رباعی از دیوان کبیر، در هر چهار مصرع شباهت کامل به رباعیات سنایی دارد.

۲-۱-۱- (ش: ۱۶۰۵^(۱)) نسخه: فذ، چت، خب، مق^(۲)

ای دوست مرا دمدمه بسیار مده
کاین دمدمه می خورد ز من هر که و مه
جان و سر تو که دم کنم پیش تو زه
کز دمدمه گرم کنم آب گره

📖^(۳) ← تفاوتی ندارد (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۶۸: رباعی ۴۶۰).

📖^(۴) ← ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۸، مجلس B (احتمالاً سده یازده): ۴۸۱

ای دوست مرا دمدمه بسیار مده
کاین دمدمه می خورد ز من هر که و مه
جان و سر تو که دم کنم پیش تو زه
کز دمدمه گرم کنم آب گره

***^(۵) این رباعی در نسخه کهن بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق) از دیوان سنایی آمده، علاوه بر آن در نسخه معتبر و متأخر دیگری از دیوان سنایی نیز وجود دارد. با توجه به اینکه رباعی مذکور در دیگر منابع متقدم دیده نشد، و از طرفی هم نسخه بایزید ولی نسبت به همه نسخه تاریخ‌دار دیوان کبیر اقدم است، می‌توان نتیجه گرفت که این رباعی متعلق به سنایی است.

۲-۱-۲- (ش: ۱۶۴۶) نسخه: فذ، عد، چت، خب، مق

مه دوش به بالین تو آمد به سرای
گفتم که ز غیرتش بگویم سر و پای
مه کیست که او با تو نشیند یک جای
شب‌گرد و جهان‌دیده و انگشت‌نمای

📖 ← این رباعی را ندارد.

در «نزه‌المجالس» این رباعی منسوب به سنایی است (شروانی، ۱۳۷۴: ۵۵۰: رباعی ۳۱۱۰).

منبع دیگر: مقالات شمس (تبریزی، ۱۳۸۵: ۲۰۳ و ۲۰۴)

*** این رباعی در «نزه‌المجالس» (۶۴۸-۶۵۹ق) منسوب به سنایی است، و شمس تبریزی نیز به این رباعی استشهاد کرده، با توجه به اینکه تاریخ تدوین نزه‌المجالس از همه نسخه تاریخ‌دار دیوان کبیر اقدم است و از سویی رباعی مذکور در آثار دیگر شعرای متقدم دیده نشد، می‌توان گفت که این رباعی از آن سنایی است.

۲-۱-۳- (ش: ۱۸۱۶) نسخه: فذ، چت، خب، مق

تا هشیاری به طعم مستی نرسی
تا تن ندهی به جان‌پرستی نرسی
تا در ره عشق دوست چون آتش و آب
از خود نشوی نیست به هستی نرسی

📖 ← تفاوت ندارد (سنایی ۱۳۸۸: ۱۱۷۴: رباعی ۵۰۹).

↓ تهران (۱۰۰۳ق): ۳۳۶



منبع دیگر: در دیوان/اوحدالدین یک رباعی با شباهتی نسبی به این رباعی وجود دارد که گویی اوحدالدین آن را از رباعی سنایی اقتباس کرده‌است:

تا می نخوری به سرّ مستی نرسی	تا نیست نگردی تو به هستی نرسی
در اصل خود ارچه در خودت باید زیست	مادام که از خود بنرستی نرسی

(اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۱۴۰. رباعی ۳۵۷)

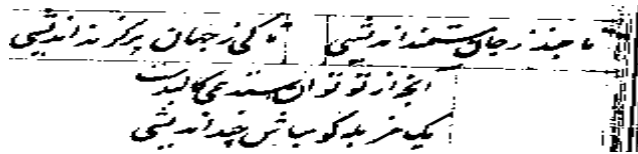
*** با وجود اینکه این رباعی در نسخ اقدم دیوان سنایی نیامده وجود یک رباعی شبیه این رباعی سنایی، در دیوان/اوحدالدین کرمانی حاکی از آن است که این رباعی پیش از عصر مولانا سروده شده‌است، از طرفی، در دیگر منابع کهن، مانند نزهه‌المجالس، و دیوان اثیرالدین اخسیکتی (اخسیکتی، ۱۳۳۷: ۴۸۲) نیز رباعی‌هایی با این سبک و مضمون وجود دارد. بنابراین احتمال دارد که از سنایی باشد.

۲-۱-۴- (ش: ۱۸۲۸) نسخه: فذ، چت، خب، مق

تا چند ز جان مستمند اندیشی	تا کی ز جهان پرگزند اندیشی
آنچ از تو توان ستد همین کالبد است	یک مزبله گو مباش چند اندیشی

← تفاوت ندارد (سنایی ۱۳۸۸: ۱۱۷۴. رباعی ۵۱۱).

← ↓ مجلس B (قرن ۱۱): ۴۸۴



انتسابات دیگر: در نزهه‌المجالس این رباعی به سیدحسن غزنوی منسوب است (شروانی، ۱۳۷۵: ۱۵۳. رباعی ۹۲).

- در سفینه کهن رباعی به خیام منسوب است (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۱۹. رباعی ۱۷۲).

- در نسخه دیوان انوری به شماره ۵۱ (۷۰۸ق) دانشگاه تهران، ص: ۲۱۰ آمده‌است.

- در رباعیات باباافضل (باباافضل، ۱۳۱۱: ۱۷۸. رباعی ۴۴۳).

*** با توجه به اینکه این رباعی در نسخه مجلس B (قرن ۱۱) آمده می‌تواند از سنایی باشد، اما از طرفی رباعی در چند منبع کهن دیگر، به سیدحسن غزنوی، انوری و خیام منسوب است. بنابراین قطعا از مولوی نیست و احتمال دارد از سنایی باشد.

۲-۲- شباهت در چهار مصرع همراه با تغییرات

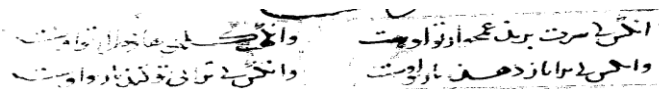
۱۶ رباعی از رباعیات دیوان کبیر، در عین شباهت در هر چهار مصرع به رباعیات سنایی، تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. این تفاوت‌ها در اسامی و افعال مترادف، پس و پیش کردن واژگان، تغییر حروف اضافه، ضمائر اشاره، ضمائر شخصی و صیغه افعال و همچنین آوردن کلمات نزدیک به هم است، اندکی هم واژگان کاملا متفاوت‌اند و ترادف و قرابتی میان آنها نیست. این تفاوت‌ها در واژگان رباعیات دخیل در دیوان کبیر بسیار چشمگیر است. «تفاوت ضبط‌ها و روایت‌ها نشان می‌دهد که مولوی مضمون ابیات را حفظ می‌کرده ولی صیغه افعال و بعضی کلمات را مطابق با جریان مطلب و شأن مخاطب تغییر می‌داده‌است» (مشتاق‌مهر، ۱۳۹۶: ۸۸).

۲-۲-۱- (ش: ۳۲۰) نسخه: فذ، چت، خب، مق

آنکس که سرت برید غمخوار تو اوست	وآن کو کلهت نهاد طرار تو اوست
وانکس که تو را بار دهد بار تو اوست	وآن کس که تو را بی تو کند یار تو اوست

← «وانکت»، «کلهی» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۰. رباعی ۸۹)

← ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۳، ملک: ۵۲۶، تهران: ۳۳۵




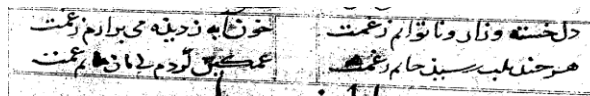
*** رباعی ۳۲۰ دیوان کبیر با اندک تفاوتی در نسخه کهن بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق) از دیوان سنایی آمده‌است، علاوه بر آن، در دو نسخه متأخر از دیوان او نیز وجود دارد. با توجه به اینکه نسخه بایزید ولی نسبت به همه نسخه تاریخ‌دار دیوان کبیر اقدم بوده، و از سویی رباعی مذکور در هیچ یک از آثار منظوم و منثور متقدم نیامده، می‌توان گفت که رباعی قطعا از مولانا نیست و انتساب آن به سنایی صحیح است.

۲-۲-۲- (ش: ۴۲۵) نسخه: فذ، مق، فا

دل‌خسته و زار و ناتوانم ز غمت	خونابه ز دیده می‌برانم ز غمت
هر چند به لب رسید جانم ز غمت	غمگین گردم، چو باز مانم ز غمت

←  «مانم» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۵). رباعی (۱۲۴)

←  ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۹، ملک: ۵۳۰، تهران: ۳۴۰




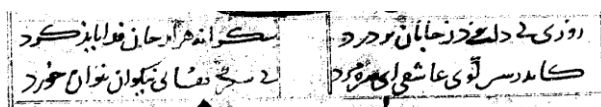
*** این رباعی علاوه بر نسخه کهن بایزید ولی‌الدین در دو نسخه متأخر دیگر از دیوان سنایی نیز آمده. نسخه بایزید نسبت به همه نسخ تاریخ‌دار دیوان کبیر اقدم بوده و از طرفی رباعی در دیگر منابع متقدم نیامده است، بنابراین می‌توان گفت که این رباعی قطعاً از سنایی است.

۲-۲-۳- (ش: ۵۱۷) نسخه: فذ، فا، چت، خب، مق

روزی که بود دلت ز جانان پردرد شکرانه هزار جان فدا باید کرد
کاندر ره عشق و عاشقی ای سره مرد بی‌شکر قفای نیکوان نتوان کرد

←  «دلت بود»، «اندر سر کوی» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۰). رباعی (۱۶۳)

←  ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۰، مجلس A: ۳۲۹، ملک: ۵۳۴، تهران: ۳۳۴، مجلس B: ۴۶۴





منبع دیگر: در نامه‌های عین‌القضات بیت اول این رباعی آمده است. (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ۲۴۳، ج ۲)

*** رباعی فوق در نسخه کهن بایزید ولی‌الدین و چندین نسخه معتبر دیگر از دیوان سنایی آمده، با توجه به اقدم بودن نسخه بایزید ولی نسبت به نسخ تاریخ‌دار دیوان کبیر از یک سو، و دیده نشدن این رباعی در دیگر منابع متقدم به نام شاعر دیگری، انتساب آن به سنایی قطعاً صحیح است. نکته مهم دیگر اینکه عین‌القضات با وجود هم‌عصر بودن با سنایی از اشعار او در آثارش بسیار بهره برده است. او در تمهیدات دو بیت از حدیقه سنایی را آورده، و این امر نشانگر آن است که شعر سنایی در روزگارش شعری نافذ بوده است.

۲-۲-۴- (ش: ۵۳۵) نسخه: فذ، فا، چت، خب، مق

آن را منگر که ذوفنون آید مرد در عهد و وفا نگر که چون آید مرد
از عهده عهد اگر برون آید مرد از هر چه صفت کنی فزون آید مرد

←  «منگر تو بدان که»، «گمان بری» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۰). رباعی (۱۶۷)

←  ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۱، ملک: ۵۳۷، تهران: ۳۳۴

ارعمده عبدالکرمون آخمره
از صبح کهن ری درون آندره
درد عهد و عهد من کجور کند مر
مکر مولان به دوفور آندره

منابع دیگر: *اعراض السیاسة فی اعراض الریاسة*: قبل از ۶۰۰ق، یک بیت (ظهیری سمرقندی، ۱۳۴۹: ۲۴۱). *کليلة و دمنه*: نیمه اول قرن ششم، یک بیت (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*: ربع اول قرن هفتم، هر دو بیت (عوفی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

*** این رباعی در نسخه کهن بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق) و چندین نسخه متأخر دیگر از دیوان سنایی آمده، علاوه بر آن در تعدادی از متون کهن نثر نیز آمده، از آنجاکه رباعی در دیوان هیچ یک از شعرا متقدم نیامده، بنابراین انتساب آن به سنایی صحیح است.

۲-۲-۵- (ش: ۵۷۸) نسخه: عد، چت، خب

دشنام که از لب تو مهوش باشد
چون لعل بود که اصلش آتش باشد
نشگفت، که دشنام تو دلکش باشد
هر باد که بر گل گذرد خوش باشد

□ ← «دری شمرم کش اصل از»، «کان» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۲. رباعی ۱۸۲)

□ ← ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق)، ۳۱۰ و ۳۱۹، مجلس A: ۳۲۷، ملک: ۵۳۷، تهران: ۳۴۰، مجلس B: ۴۷۵

دشنام که از لب تو مهوش باشد
دری شمرم کش اصل از آتش باشد
دشنام و سلفه که دلکش باشد
کان در لعل گل گذرد خوش باشد


منابع دیگر: در «نزهه‌المجالس» این رباعی دو بار آمده است، یک بار منسوب به سنایی و بار دیگر منسوب به عنصری (شروانی، ۱۳۷۵: ۴۶۲ و ۵۶۸ رباعی ۲۴۴۴ و ۳۲۳۲). نکته: با تفاوت‌هایی که میان این دو رباعی در «نزهه‌المجالس» وجود دارد، به نظر می‌آید سنایی رباعی را با اقتباس از عنصری سروده باشد. این رباعی زیبا از عنصری در *نزهه‌المجالس* آمده است:


دشنام کز آن لبان دلکش باشد
دری شمرش که آیش آتش باشد
لبهای تو چون گل است و دشنام تو باد
هر باد که بر گل گذرد خوش باشد

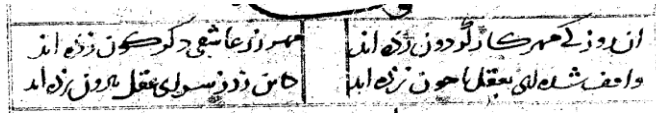
*** این رباعی در نسخه کهن بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق) و چند نسخه متأخر دیگر از دیوان سنایی آمده، علاوه بر آن در مجموعه «نزهه‌المجالس» نیز به سنایی منسوب است، بنابراین انتساب آن به سنایی صحیح است.

۲-۲-۶- (ش: ۶۶۰) نسخه: فذ، خب، مق

آن روز که مهرگان گردون زده‌اند مهر زر عاشقان دگرگون زده‌اند
واقف نشوی به عقل تا چون زده‌اند کین زر ز سرای عقل بیرون زده‌اند

←  «مهر کار»، «عاشقی» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۵، رباعی ۲۰۵)

←  ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۰۹، مجلس A: ۳۲۶، ملک: ۵۳۴، تهران: ۳۳۶



منابع دیگر: در *نزهه‌المجالس* این رباعی منسوب به سنایی است (شروانی، ۱۳۷۵: ۲۴۰ رباعی ۶۹۶). در *روح‌الارواح و مقامات ژنده‌پیل* نیز این رباعی آمده (سمعانی، ۱۳۸۴: ۵۵ و ۱۶۲؛ غزنوی، ۱۳۸۴: ۴۵).


*** این رباعی علاوه بر آنکه در نسخه کهن بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق) و چند نسخه متأخر دیگر از *دیوان سنایی* آمده، در مجموعه «نزهه‌المجالس» نیز منسوب به سنایی است. در دو اثر از متون نثر متقدم نیز به آن استشهاد شده و از آنجاکه رباعی مذکور به شاعر متقدم دیگری منسوب نشده‌است، انتساب آن به سنایی صحیح و اقوی است.


۲-۲-۷- (ش: ۷۵۳) نسخه: چت، خب

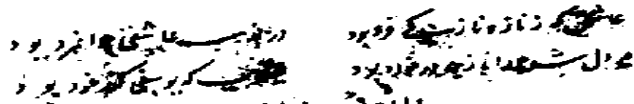
عاشق که بناز و نازکی فرد بود در مذهب عاشقی جوانمرد بود
بر دل‌شدگان چه ناز در خورد بود یعقوب که یوسفی کند سرد بود

۲-۲-۸- (ش: ۷۷۳) نسخه: فذ

عاشق که ز ناز و نازکی فرد بود در مذهب عاشقی جوانمرد بود
بر دل‌شدگان چه ناز در خورد بود یعقوب که یوسفی کند سرد بود

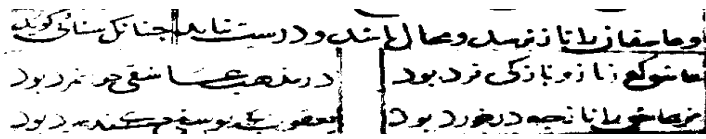
←  این رباعی را ندارد، اما در دو نسخه خطی زیر از *دیوان سنایی* آمده: «مر دل‌شده را».

←  ↓ مجلس A (۸۳۷ق): ۳۳۱، ملک: ۵۳۷



منابع دیگر: این رباعی، در یک منبع کهن، به نام «رسائل‌العشاق و وسائل‌المشتاق» با تاریخ کتابت (۶۸۵ق)، به نام سنایی آمده‌است. نسخه برگردان این نسخه کهن و ارزشمند، به کوشش جواد بشری به چاپ رسیده‌است.

↓ «رسائل العشاق و وسائل المشتاق» (سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۶۸).



*** علاوه بر دو نسخه معتبر و منحصر به فرد دیوان سنایی یعنی نسخه مجلس A (۸۳۷ق) و کتابخانه ملک (قرن ۱۱) این رباعی، در یک منبع کهن دیگر، به نام «رسائل العشاق و وسائل المشتاق» با تاریخ کتابت (۶۸۵ق)، به نام سنایی آمده، و بر همین اساس می‌توان بر معتبر بودن دو نسخه مزبور از دیوان سنایی تأکید کرد. با توجه به اینکه تاریخ کتابت «رسائل العشاق و وسائل المشتاق» نسبت به همه نسخه تاریخ‌دار دیوان کبیر اقدم است، می‌توان اثبات کرد که رباعی مذکور قطعا از مولانا نیست و به سنایی تعلق دارد.

۲-۲-۹- (ش: ۱۰۶۵) نسخه: فذ، چت، خب، مق

هر روز به نو برآید این دلبر عشق
این خار از آن نهاد حق بر در عشق
در گردن ما در افکند دفتر عشق
تا دور شود هر کی ندارد سر عشق

📖 ← این رباعی را ندارد.

رباعی در نزهه‌المجالس با تفاوت‌هایی به سنایی منسوب است (شروانی، ۱۳۷۵: ۲۴۱، رباعی ۷۰۵). «آن زرگر»، «محنت»، «زیور»، «احداد»، «نهاده‌اند»، «بگریزد»، «که».

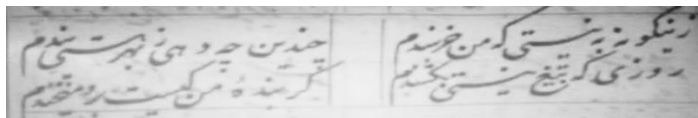
*** چون این رباعی در «نزهه‌المجالس» به سنایی منسوب است و از طرفی به نام شاعر متقدم دیگری نیامده، بنابراین قطعا از مولانا نیست و انتساب آن به سنایی صحیح است.

۲-۲-۱۰- (ش: ۱۱۶۲) نسخه: فذ، چت، خب، مق

زین گونه که من به نیستی خرسندم
روزی که به تیغ نیستی بکشندم
چندین چه دهید بهر پستی پندم؟!
گرینده من کیست؟! برو می‌خندم

📖 ← این رباعی را ندارد. «به نیستی که من»، «دهی ز» «هستی»

📖 ← ↓ ملک (قرن ۱۱): ۵۵۰



منابع دیگر: در سفینه صائب (۱۰۸۳ق) به نام سنایی آمده است (حسینی اشکوری، ۱۳۸۵: ۹).

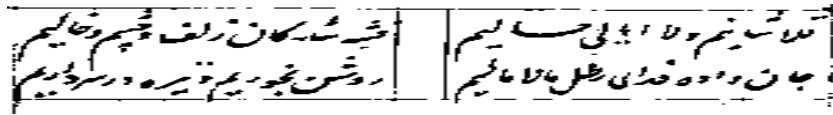
*** این رباعی علاوه بر نسخه معتبر کتابخانه ملک (قرن ۱۱) از دیوان سنایی، در «سفینه صائب» (۱۰۸۳ق) نیز به نام سنایی آمده. با توجه به تغییراتی که مولوی، چنان‌که شیوه و عادت اوست، در این رباعی ایجاد کرده، می‌توان گفت که رباعی متعلق به سنایی است. تغییراتی که مولانا در این رباعی ایجاد کرده پس و پیش کردن واژگان: «به نیستی که من» ← «که من به نیستی»؛ تغییر صیغه فعل: «می‌دهی» ← «دهید»؛ افزودن حرف اضافه «ز»، در مصرع دوم؛ و تبدیل واژه «هستی» به «پستی» است.

۲-۲-۱۱- (ش: ۱۳۳۷) نسخه: فذ، عد، چت، خب، مق

فلاشانیم و لابلالی حالیم	فتنه شدگان ازل آزالیم
جان داده به عشق رطل مالالمیم	صافی بخوریم و تیره در سر مالیم

← «زلف و چشم و خالیم»، «فدای»، «روشن» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۵۹، رباعی ۳۸۷)

← ↓ مجلس B (قرن ۱۱): ۴۶۵



*** براساس نسخه بسیار معتبر کتابخانه مجلس (قرن ۱۱) از دیوان سنایی، می‌توان این رباعی را از سنایی دانست، اما علاوه بر آن، با توجه به دو واژه «فلاش» و «لابالی» که یادآور سبک رندانه سنایی است، از نظر سبک‌شناسی هم می‌توان انتساب این رباعی را به سنایی اقوی و حتی قطعی دانست. چراکه سنایی در اصل مبدع نمادهای قلندری در ادبیات عرفانی است، و قطعاً او از این نظر سرمشق عارفان و شاعران بزرگ پس از خود است. بنابراین می‌توان گفت که دو رباعی ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ مولوی با تفاوت‌هایی، اقتباسی از رباعی ۳۸۷ دیوان سنایی است.


نکته: در نسخه کتابخانه ملک (سده ۱۱) از دیوان سنایی نیز یک رباعی شبیه رباعی فوق آمده که در دیوان‌های چاپی سنایی نیامده است:


ما خسته عشق و بسته ایامیم	شوریده روزگار نافر جامیم
روتابه خرابات فرو آرامیم	در میکده دم زنییم و درد آشامیم

(میرافضلی، ۱۳۹۴: ۴۰)

۲-۲-۱۲- (ش: ۱۴۱۹) نسخه: فذ، عد، چت، خب، مق

عقلی که خلاف تو گزیدن نتوان	دینی که ز عهد تو بریدن نتوان
علمی که به کنه تو رسیدن نتوان	زهدی که ز دام تو رهیدن نتوان

←  «شرط»، «ذات»، «پریدن» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۶۰. رباعی ۳۹۲)

←  ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۸، مجلس B: ۴۶۴


عقلی اطلال بولردن مولان / عینی ز سرحد تو برمدن مولان
علمی بدات و رسدن مولان / هوی ز ددم سرمدن مولان


*** رباعی ۱۴۱۹ دیوان کبیر با تفاوت در برخی واژگان در نسخه کهن بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق) از دیوان سنایی آمده‌است. علاوه بر آن، این رباعی در نسخه متأخر دیگری از دیوان سنایی نیز آمده. با توجه به اینکه نسخه بایزید ولی نسبت به همه نسخه تاریخ‌دار دیوان کبیر اقدم بوده و از طرفی، رباعی مذکور در دیگر منابع متقدم دیده نشد، می‌توان گفت که انتساب آن به سنایی قطعی است.

۲-۲-۱۳- (ش: ۱۴۷۵) نسخه: عد، فا، چت، خب، مق

تا با خودی دوری ارچه هستی با من / ای بس دوری که از تو باشد تا من

در من نرسی تا نشوی یکتا من / اندر ره عشق یا تو باشی یا من

←  «ارچه همنشینی با من»، «از خود گم»، «کاندر»، «گنجی» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۶۱. رباعی ۴۰۷)

←  ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۷، مجلس A: ۳۳۰، ملک: ۵۶۱، مجلس B: ۴۷۹، مجلس C: ۴۴۹

ا خودی ارچه هم بشی با من / ای بس دوری که از تو باشد تا من
> در من نرسی تا نشوی یکتا من / کاندر ره عشق یا تو باشی یا من

منابع دیگر: نامه‌های عین‌القضات (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ۸۴، ج ۲)، کشف‌الاسرار (میبدی، ۱۳۶۳: ۵۱۰ و ۵۱۱، ج ۲).

- نسخه شماره ۱۶۶ ف، مکاتبات عین‌القضات، بخش دوم، دانشگاه تهران، (کتابت ۶۶۸ق)، در صفحه ۲۳ و ۴۵ بیت دوم این رباعی چنین آمده‌است:


ند در عشق با تو یکتا من / در من نرسی تا نشوی یکتا من

*** رباعی ۱۴۷۵ با اندک تفاوتی در نسخه کتابخانه بایزید ولی دیوان سنایی (ف۵۳۵ق) با تاریخ کتابت ۶۸۴ق آمده. این رباعی در نسخه دیگری از دیوان سنایی که قدمتی نسبی دارد و به سال ۸۳۷ق کتابت شده نیز آمده‌است. علاوه بر این دو نسخه کهن، رباعی مذکور در چندین نسخه متأخر دیگر از دیوان سنایی نیز وجود دارد. از متون نثر متقدم، در نسخه‌ای از نامه‌های عین‌القضات همدانی (ف۵۲۵ق) با تاریخ کتابت ۶۶۸ق، فقط به بیت دوم این رباعی با

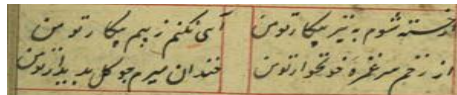
کمی تغییر استشهداد شده و در کتاب کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار (۵۲۰-۵۳۰) نیز این رباعی مانند دیوان سنایی آمده‌است. براساس منابع مذکور از نسخ دیوان سنایی و متون نشر متقدم اثبات می‌شود که رباعی فوق از مولانا نیست و انتساب آن به سنایی اقوی است.

۲-۲-۱۴- (ش: ۱۴۹۳) نسخه: فاء، چت، خب، مق

گر کشته شوم به نزد پیکار تو من
از زخم سر غمزه خونخوار تو من
آهی نکنم ز بیم آزار تو من
خندان میرم چو گل ز دیدار تو من

←  این رباعی را ندارد. «ار خسته»، «تیر»، «پیکار»، «به»

←  ↓ مجلس B (قرن ۱۱): ۴۶۷



انتساب دیگر: در دیوان مسعود سعد سلمان این رباعی آمده (مسعود سعد، ۱۳۳۹: ۷۱۶).

- نسخه دیوان مسعود سعد به شماره ۲۴۸۷ (۱۲۶۰ق)، کتابخانه مجلس شورا: ۳۵۴

- نسخه دوازده شاعر، شماره ۱۷۰ (بی‌تاریخ)، احتمالاً از قرن هفتم، دانشگاه تهران: ۳۳۵
این گونه آمده‌است:


گرفته شوم ز تیر پیکار تو من
از بیم سر غمزه خونخوار تو من
آهی نکنم ز بیم آزار تو من
خندان میرم چو گل ز دیدار تو من


منبع دیگر: در «روح‌الارواح» بیت دوم این رباعی آمده است (سمعانی، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

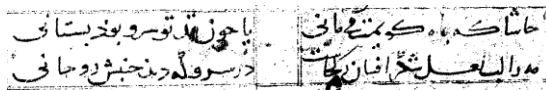
*** با توجه به اینکه رباعی در نسخه معتبر کتابخانه مجلس (قرن ۱۱) آمده، می‌تواند از سنایی باشد اما از طرفی در برخی نسخ خطی دیوان مسعود سعد آمده و شاید متعلق به مسعود سعد باشد. چون بیت دوم آن در «روح‌الارواح» نیز آمده، قطعاً از مولانا نیست.

۲-۲-۱۵- (ش: ۱۸۷۷) نسخه: فذ، عد، چت، خب، مق

حاشا که به ماه گویمت می‌مانی
مه را لب لعل شکرافشان ز کجاست
یا چون قد تو سرو بود بستانی
در سرو کجاست جنبش روحانی

←  «که دید» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۷۶. رباعی ۵۲۱)

←  ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۹



منابع دیگر: در «نزه‌المجالس» و «سفینه کهن رباعیات» بدون ذکر نام سراینده آمده‌است (شروانی، ۱۳۷۵: ۳۰۱. رباعی ۱۱۶۳) و (مرادی، ۱۳۹۵: ۲۱۳. رباعی ۶۷۸).

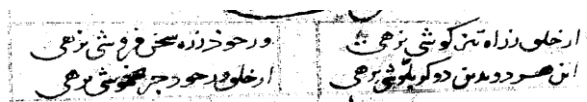
*** رباعی ۱۸۷۷ دیوان کبیر عینا در *نزه‌المجالس* (۶۴۸-۶۵۹ق) و هم‌چنین در کتاب *سفینه کهن رباعیات* (سده هفتم) بدون ذکر نام شاعر آمده. این رباعی در نسخه کهن *دیوان سنایی*، با تاریخ کتابت ۶۸۴ق نیز آمده. با توجه به اینکه رباعی در دیوان شعرای متقدم دیده نشد، انتساب آن به سنایی اقوی بوده، و با توجه به منابع متقدم اثبات می‌شود که قطعا از مولانا نیست.

۲-۲-۱۶- (ش: ۱۹۴۱) نسخه: فذ، چت، خب، مق

از خلق ز راه تیزگوشی نرهی وز خود ز سر سخن‌فروشی نرهی
ز این هر دو اگر سخت بکوشی نرهی از خلق و ز خود جز به خموشی نرهی

←📖 «بدین دو گر» (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۷۷. رباعی ۵۳۲)

📖 ← ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۰۹، مجلس B: ۴۸۰



*** رباعی ۱۹۴۱ دیوان کبیر با تفاوتی جزئی در نسخه کتابخانه بایزید ولی دیوان سنایی (۵۳۵ق) با تاریخ کتابت ۶۸۴ق آمده. علاوه بر آن، این رباعی در نسخه متأخری از دیوان سنایی نیز آمده‌است. با توجه به اقدم بودن نسخه بایزید ولی، و همچنین نیامدن رباعی در دیگر منابع متقدم به نام شاعری دیگر می‌توان گفت که انتساب این رباعی به سنایی صحیح است.

۲-۳- شباهت در سه مصرع

۴ رباعی از رباعیات مشترک دیوان کبیر و رباعیات سنایی، در سه مصرع به یکدیگر شباهت دارند. گاهی مصرع متفاوت در دیوان کبیر، از نظر محتوا به همان مصرع در رباعی سنایی نزدیک است و تفاوت چندانی با آن ندارد، در مواردی هم تا حدودی متفاوت است.

۲-۳-۱- (ش: ۳۱۳) نسخه: فذ، عد، فا، چت، خب، مق

در مرگ حیات اهل داد و دین است وز مرگ روان پاک را تمکین است
آن مرگ لقا است نی جفا و کین است نامرده همی میرد و دردش این است



در مرگ حیات اهل داد و دین است
وز مرگ روان پاک را تمکین است
نز مرگ دل سنایی اندوهگین است
بی‌مرگ همی میرد و مرگش زین است
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۰. رباعی ۸۷)

← ↓ مجلس B (قرن ۱۱): ۴۸۰، ملک: ۵۲۶



*** رباعی ۳۱۳ دیوان کبیر با تفاوت در مصرع سوم در دیوان سنایی آمده. این رباعی در دو نسخه از دیوان سنایی، هر دو متعلق به سده یازدهم هجری آمده‌است. با توجه به آمدن نام «سنایی» در مصرع سوم رباعی قطعا از سنایی است و مولانا فقط مصرع سوم آن را تغییر داده‌است.

۲-۳-۲- (ش: ۶۶۷) نسخه: فذ، فا، چت، خب

نارفته ره صدق و صفا گامی چند
تا زشت شود نام نکونامی چند
بگرفته ز طامات الف لامی چند



نارفته به کوی صدق در گامی چند
بدکرده همه نام نکونامی چند
ننشسته به پیش خاصی و عامی چند
برکرده ز طامات الف لامی چند
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۳. رباعی ۱۸۹)

← ↓ مجلس A (۸۳۷ق): ۳۳۰، مجلس B: ۴۶۴



منابع دیگر: مرصادالعباد (نجم رازی، ۱۳۸۹: ۳۱۷)، جوامع الحکایات و لوامع الروایات (عوفی، ۱۳۵۵: ۳۴۵)، (باباافضل، ۱۳۱۱. رباعی ۱۲۵)، (اوحالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۱۷۳. رباعی ۶۴۱).

در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی قبل از این رباعی عبارت «چنان که می‌گوید» را آورده و این عبارت نشان می‌دهد که رباعی را از دیگری نقل می‌کند (نجم رازی، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

*** با توجه به منابع متقدمی چون *مرصادالعباد* (کتابت ۶۱۸-۶۲۰ق) و *جوامع الحکایات* و *لوامع الروایات* (حدود ۶۳۰ق)، این رباعی قطعا از مولانا نیست، از طرفی بعید به نظر می‌رسد که از اوحدالدین کرمانی (ف ۳۵۵ق) رباعی در *مرصادالعباد* یا *جوامع الحکایات* آمده باشد. رباعی مذکور در کتاب «جنگ رباعی» در میان قدیمی‌ترین رباعیات *بابا افضل* (ف ۱۰ق) نیز دیده نشد، بنابراین قطعا از منابعی متأخر در دیوان او آمده‌است. براساس منابع بالا می‌توان گفت که انتساب رباعی مذکور به سنایی اقوی است اما قطعی نیست.

۲-۳-۳- (ش: ۶۸۶) نسخه: فذ، فآ، چت، مق

طاوس نه‌ای که در جمالت نگرند / شهباز نه‌ای که از شکار تو چرند

سیمرغ نه‌ای که بی‌تو نام تو برند / آخر تو چه مرغی؟ و ترا با چه خورند؟

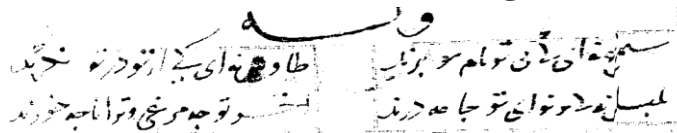


سیمرغ نه‌ای که بی‌تو نام تو برند / لبلب نه‌ای که از نوای تو جامه درند

طاوس نه‌ای که با تو در تو نگرند / آخر تو چه مرغی و تو را با چه خورند؟

(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۴۴. رباعی ۱۹۴)

← ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۲، ملک: ۵۳۵، تهران: ۳۴۴



منبع دیگر: هر دو بیت این رباعی در «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن» آمده که شباهت کامل به نسخه بایزید ولی‌الدین دیوان سنایی دارد (خزائلی نیشابوری، ۱۳۷۸: ۳۲، ج ۴).

*** رباعی ۶۸۶ دیوان کبیر با کمی تفاوت، در نسخه کهن کتابخانه بایزید ولی دیوان سنایی (ف ۳۵۵ق) با تاریخ کتابت ۶۸۴ق آمده، علاوه بر آن، در دو نسخه متأخر دیگر از دیوان سنایی نیز وجود دارد. از متون نثر کهن نیز در کتاب «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن» به این رباعی استشهاد شده‌است. خزائلی این کتاب را در اوایل سده ششم تألیف کرده. با توجه به منابع متقدم مذکور اثبات می‌شود که این رباعی قطعا از مولانا نیست و چون در دیوان دیگر شعرای متقدم نیز نیامده می‌توان آن را متعلق به سنایی دانست.

۲-۳-۴- (ش: ۱۳۳۸) نسخه: خب، مق

قلاشانیم و لا بالی حالیم / جان داده به عشق دوست مالمالیم

ما بنده بندگان آن اجلالیم / روشن بخوریم و تیره در سر مالیم



فلاشانیسم و لاابالیسی حالیسم
 جان داده فدای رطل مالمالیسم
 فتنه شدگان زلف و چشم و خالیسم
 روشن بخوریم و تیره در سر داریم
 (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۵۹. رباعی ۳۸۷)

*** براساس تحلیل انتساب رباعی ۱۳۳۷، می‌توان گفت که مولانا رباعی ۱۳۳۸ را نیز از رباعی ۸۷ دیوان سنایی اقتباس کرده‌است.

۲-۴- شباهت در دو مصرع

۷ رباعی از رباعیات سنایی و مولانا در دیوان کبیر، فقط در دو مصرع به یکدیگر شباهت دارند. مولانا در این رباعیات، گاه بیت را با حفظ مضمون، به سبک خود می‌سراید و گاه بیت او جوابیه‌ای به پرسش همان بیت در رباعی سنایی است. در چندین مورد هم بیتی معروف و مشاع را از یک رباعی سنایی که در شماری از متون کهن نثر نیز به آن استشهاد شده تضمین می‌کند، و سپس با افزودن بیتی رباعی دیگری می‌سراید:

۲-۴-۱- (ش: ۴۰۹) نسخه: فذ، چت، خب، مق

حسنت که همه جهان فسونش بگرفت
 زردی رخت ز گرمی و خشکی نیست
 درد حسد حسود چونش بگرفت
 از بس عاشق که کشت خونش بگرفت

← این رباعی را ندارد.

این رباعی در نزهةالمجالس به سنایی منسوب است:

چشمت که جهان جمله فسونش بگرفت
 آن سرخی چشم از تبش صفرا نیست
 خواهی که بگویمت که چونش بگرفت
 عشاق ز بس که کشت خونش بگرفت
 (شروانی، ۱۳۷۵: ۴۴۲. رباعی ۲۲۸۸ ☞ سنایی)

منابع دیگر: سفینه کهن رباعیات (مرادی و وفایی، ۱۳۹۵: ۱۷۱. رباعی ۴۵۳ ☞ شمس گنجه)، دیوان مهستی (۱۳۹۱: ۶۵). در نسخه سفینه تبریز (۱۳۷۱ق: ۲۷۷) نیز به نام مهستی است.

*** رباعی ۴۰۹ دیوان کبیر با تفاوت در برخی واژگان، در نزهةالمجالس (۶۴۸-۶۵۹ق) به سنایی (ف۵۳۵ق) منسوب است ولی در هیچ‌یک از نسخ متقدم و متأخر دیوان او نیامده، همچنین در سفینه کهن رباعیات (سده هفتم) به شمس گنجه، و در سفینه تبریز (کتابت ۷۲۱-۷۲۳ق) نیز به مهستی (ف۵۵۲ق) منسوب است. در دیوان چاپی مهستی، براساس نسخه رافائیل حسینوف نیز آمده‌است. براساس سه منبع مذکور این رباعی به سه شاعر منسوب است،

بنابراین به طور دقیق نمی‌توان سراینده آن را مشخص کرد اما براساس همین منابع به طور قطع انتساب این رباعی به مولانا منتفی است.

۲-۴-۲- (ش: ۱۴۰۴) نسخه: فا، چت، خب، مق

ای جمله جهان بروی خوبت نگران
جان مردان ز عشق تو جامه دران
با این همه نزدیک همه پره‌نران
دیوانگی تو به ز عقل دگران

← این رباعی را ندارد.

← ↓ کابل (قرن ۶): ۶۰۷، مجلس A: ۳۲۴، ملک: ۵۶۲، مجلس B: ۴۸۱

وله

به‌عالمی از مهر بر بیت نگران
د آکوی تو مردان جهان صله دران
این سه نزدیک همه پره‌نران
دیوانگی از تو به کی عقل دگران

*** رباعی ۱۴۰۴ دیوان کبیر با تفاوت در برخی از واژگان در نسخه کهن کابل دیوان سنایی آمده، این نسخه متعلق به سده ششم است. در نسخه دیگری از دیوان سنایی که قدمتی نسبی دارد و در سال ۸۳۷ق کتابت شده نیز این رباعی دیده می‌شود. علاوه بر دو منبع متقدم مذکور رباعی در چند نسخه متأخر از دیوان سنایی نیز آمده. براساس این منابع اثبات می‌شود که این رباعی قطعاً متعلق به سنایی غزنوی است.

۲-۴-۳- (ش: ۱۴۴۵) نسخه: فذ، فا، چت، خب، مق

با هر دو جهان به جنگ باید بودن
بیزار ز لعل و سنگ باید بودن
مردانه و مرد رنگ باید بودن
ور نی به هزار ننگ باید بودن

۲-۴-۴- (ش: ۱۴۴۶) نسخه: فا، چت، خب، مق

با روی بتان چو رنگ باید بودن
با رنگ عدو پلنگ باید بودن
مردانه و مرد رنگ باید بودن
ور نه به هزار ننگ باید بودن

۲-۴-۵- (ش: ۱۴۴۷) نسخه: فذ، فا، چت، خب، مق

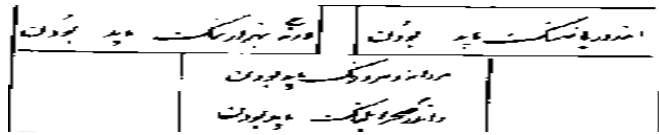
در عشق تو شوخ و شنگ باید بودن
با جان خودم به جنگ باید بودن
مردانه و مرد رنگ باید بودن
ور نی به هزار ننگ باید بودن

↓

اندر دریا نهنگ باید بودن
واندر صحرا پلنگ باید بودن
مردانه و مرد رنگ باید بودن
ور نه به هزار ننگ باید بودن

(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۶۰. رباعی ۳۹۹)

← □ ↓ مجلس C (۱۲۷۴ق): ۴۶۱



منبع دیگر: بیت دوم این رباعی در «مقالات شمس» آمده‌است (تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

*** براساس نسخه متأخر کتابخانه مجلس (۱۲۷۴ق) نمی‌توان گفت که این رباعی قطعاً از سنایی است. اما با توجه به اینکه بیت دوم آن در «مقالات شمس» آمده و از آنجاکه شمس تبریزی بسیار به اشعار سنایی استشهاد می‌کرده، نمی‌تواند از مولانا باشد. گویی بیت دوم این رباعی در میان پیشینیان مشاع بوده و به آن استشهاد می‌کرده‌اند، چنانچه در «مقالات شمس» نیز آمده‌است. مولانا نیز بیت دوم سه رباعی ۱۴۴۵، ۱۴۴۶ و ۱۴۴۷ را از رباعی ۳۹۹ دیوان سنایی تضمین کرده، بنابراین انتساب آن به سنایی اقوی است. شفیعی کدکنی (۱۳۸۷: ۲۰) در مورد استشهاد شمس و مولانا به اشعار سنایی می‌نویسد: «شمس در میان گفتارهایش استشهاد به شعر سنایی می‌کرده‌است و مولانا نیز در مجالس خود پیوسته شعرهای سنایی را می‌خوانده‌است».

۲-۴-۶- (ش: ۱۶۶۵) نسخه: فذ

وی از تو تضرعی به هر محرابی
تا با تو غمی بگویم از هر بابی

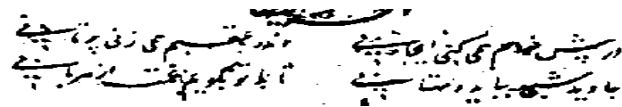
ای در دل هر کسی ز مهرت تابی
جاوید شبی باید و خوش مهتابی



پس در عقبم همی زنی پرتابی
تا با تو غم تو گویم از هر بابی
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۷۱. رباعی ۴۸۵)

در پیش خودم همی کنی آنجایی؟
جاوید شبی بیاید و مهتابی

← □ ↓ مجلس A (۸۳۷ق): ۳۲۷



منبع دیگر: در کتاب «غنیه‌الکاتب و منیه‌الطالب» بیت دوم این رباعی آمده. این کتاب در ۱۳۷۹ق نگاشته شده است (خویی، ۱۳۷۹: ۳۲۰). در مکتوبات مولانا نیز بیت دوم آن سه بار آمده‌است (مولوی، ۱۳۷۱: ۱۱۵، ۱۳۷ و ۱۵۱).

*** بر این اساس که این رباعی در نسخه کهن کتابخانه مجلس (۸۳۷ق) آمده، می‌توان آن را از سنایی دانست. علاوه بر آن، با توجه به اینکه بیت دوم این رباعی یک بار در «غنیه‌الکاتب و منیه‌الطالب» و سه بار نیز در «مکتوبات مولانا» آمده می‌توان حدس زد که بیت دوم رباعی ۱۶۶۵ مولانا، بیتی مشاع و معروف از رباعی ۴۸۵ دیوان سنایی است که مولانا آن را در رباعی خود تضمین کرده و سه بار نیز در «مکتوبات» آورده‌است. بنابراین با توجه به نسخه کهن ۸۳۷ق مجلس و آمدن بیت دوم آن در کتاب «غنیه‌الکاتب و منیه‌الطالب» و با توجه به اینکه رباعی مذکور در دیوان شعرای متقدم نیامده می‌توان گفت که انتساب آن به سنایی اقوی است.

۲-۴-۷- (ش: ۱۸۸۱) نسخه: فذ، عد، چت، خب

چاکبست ز هجر دوست بردوختنی
عشق آمدنی بود نه آموختنی

شمعی است دل مرد برافروختنی
ای بی‌خبر از ساختن و سوختنی



در عشق چه لفظ‌هاست بردوختنی؟
عشق آمدنی بود نه آموختنی
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۷۸. رباعی ۵۲۲).

پرسی که ز بهر مجلس افروختنی
ای بی‌خبر از سوخته و سوختنی

← ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۱۸، ملک: ۵۵۶

در عشق چه لفظ‌هاست بردوختنی
عشق آمدنی بود نه آموختنی

منابع دیگر: در «نزه‌المجالس» رباعی منسوب به سنایی است (شروانی، ۱۳۷۵: ۲۳۹. رباعی ۶۹۳).
- در نسخه «سفینه تبریز» به شماره ۱۴۵۹۰ (۷۲۱ق: ۳۰۳) به سنایی منسوب است.
- در «روح‌الارواح» و «مرصادالعباد» این رباعی کامل است (سمعی، ۱۳۸۴: ۱۲۰؛ نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۹: ۴۸۷).
- در «نامه‌های عین‌القضات»، «اسرارالتوحید» و «لمعه‌السراج لحضره‌التاج» نیز بیت دوم این رباعی آمده (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ۳۶۰، ج ۱؛ منور، ۱۳۸۱: ۴۷؛ دقایقی مروزی، ۱۳۴۸: ۲۱).
*** رباعی ۱۸۸۱ دیوان کبیر در نسخه کهن دیوان سنایی یعنی نسخه کتابخانه بایزید ولی‌الدین ترکیه با تاریخ کتابت ۶۸۴ق آمده‌است. علاوه بر آن در دو مجموعه کهن نزه‌المجالس (۶۴۸-۶۵۹ق) و سفینه تبریز (۷۲۱-۷۲۳ق) نیز رباعی به سنایی (ف۵۳۵ق) منسوب است، از متون نثر متقدم یک مصرع از آن در جلد اول نامه‌های عین‌القضات همدانی (۵۱۷-

۵۲۵ق) آمده. در کتاب *اسرارالتوحید* (۵۷۴ق) و *لمعه‌السراج لحضره‌التاج* (سده ششم) فقط بیت دوم، و در دو کتاب «روح‌الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح» اثر احمد سمعانی (ف-۵۳۴ق) و «مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد» (۶۱۸-۶۲۰ق) هر دو بیت این رباعی آمده. عین‌القضات همدانی، احمد سمعانی و سنایی تقریباً با یکدیگر هم‌عصر هستند اما چون بسیاری از عرفا به اشعار سنایی استشهاد می‌کرده‌اند و از طرفی در سه منبع متقدم؛ نسخه کتابخانه بایزید ولی ترکیه، *نزه‌المجالس* و *سفینه تبریز*، این رباعی به سنایی منسوب است، بنابراین انتساب آن به سنایی اقوی بوده و قطعاً از مولانا نیست.

۲-۵- شباهت در یک مصرع

۴ رباعی از رباعیات مشترک *دیوان سنایی* و *دیوان کبیر* فقط در یک مصرع شباهت دارند. مولانا در این چهار رباعی، اغلب مصرع اصلی یا همان شاه‌مصرع را از یک رباعی سنایی أخذ کرده و با حفظ مضمون، رباعی دیگری را متناسب با ذوق و سبک خویش سروده، گاه مصرعی از سنایی گرفته و با حفظ فرم و شکل کلی آن رباعی مضمون دیگری را به نظم کشیده‌است:

۲-۵-۱- (ش: ۶۶۸) نسخه: فذ

سیر آمدم از سرزنش خامی چند
تا پیش اجل باز روم گامی چند

در مصطفی جهان ز بدنامی چند
بگرفته ز طامات الف لامی چند



نشسته به پیش خاصی و عامی چند
برکرده ز طامات الف لامی چند

نارفته به کوی صدق درگامی چند
بدکرده همه نام نکونامی چند

(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۳. رباعی ۱۸۹)

*** با توجه به تحلیل رباعی شماره ۶۶۷، این رباعی اقتباسی از رباعی ۱۸۹ *دیوان سنایی* و انتساب آن به سنایی اقوی است.

۲-۵-۲- (ش: ۸۱۶) نسخه: فذ، فآ، چت، خب، مق

آنگه ز خدای عالمت یباد آید
ور عشوه دهی باد بود یباد آید

از درد چو جان تو به فریاد آید
والله که اگر داد کنی داد آید

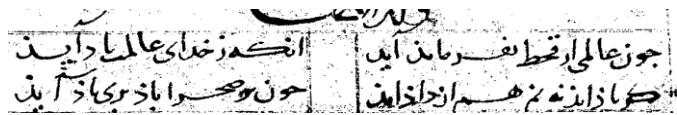


آنگه ز خدای عالمت یباد آید
چون بر صحرا باد بری باد آید

چون عالمی از قحط به فریاد آید
گر یباد آمد نه آب از داد آمد

(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۸. رباعی ۲۲۱)

□ ← ↓ بازید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۲۰، ملک: ۵۳۶، تهران: ۳۲۶، مجلس B: ۴۴۳



*** رباعی ۸۱۶ دیوان کبیر به یک رباعی در دیوان سنایی شباهت دارد. این رباعی در نسخه کهن بازید ولی‌الدین دیوان سنایی با تاریخ کتابت ۶۸۴ق آمده، علاوه‌بر این نسخه، رباعی مذکور در چندین نسخه متأخر نیز وجود دارد، بنابراین انتساب آن به سنایی صحیح است. مولانا مصرع دوم رباعی ۸۱۶ را از رباعی ۲۲۱ دیوان سنایی أخذ کرده و با حفظ مضمون و ساختار، متناسب با سبک خود آن را بازآفرینی کرده‌است.

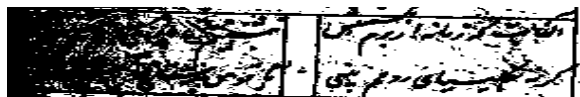
۲-۵-۳- (ش: ۱۰۰۲) نسخه: فذ، چت، خب، مق

سوگند بدان سر که شده‌است او مستش	سوگند بدان جان که شدست او پستش
سغراق به دستی و به دستی دستش	سوگند بدان دم که مرا می‌دیدند

□ ← این رباعی را ندارد.

ننشینم تا باز نبینم مستش	آن بت که زمانه از برم بگستش
ناقوس به دستی و به دستی دستش	گر نه به کلیسای رومم بینی

□ ← ↓ مجلس B (قرن ۱۱): ۴۴۹



منابع دیگر: رباعی با تفاوت در ضمائر، در «روح‌الارواح» سمعانی (۱۳۸۴: ۱۶۸) آمده‌است:

وز نرگس پرخمار بی می مست	از جور قد بلند و زلف پست
ناقوس به دستی و به دستی دست	ترسم به کلیسای رومم بینی

*** این رباعی سنایی در نسخه معتبر مجلس شورای اسلامی (قرن ۱۱) و با تفاوت‌هایی در «روح‌الارواح» نیز آمده‌است. می‌توان گفت که این رباعی از سنایی است و مولانا فرم ظاهری و مصرع آخر این رباعی را از سنایی اقتباس کرده و مضمون دیگری سروده‌است.

۲-۵-۴- (ش: ۵۰۵) نسخه: فذ، چت، خب، مق

چشمم ز رخت خوب خیالی دارد	از روی تو من جمالی دارد
امروز سماع ما کمالی دارد	از تو جگرم آب زلالی دارد



از روی تو دیده‌ها جمالی دارد
وز خوی تو عقل‌ها کمالی دارد
در هر دل و جان غمت نهالی دارد
خال تو بر آن روی تو حالی دارد
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۸. رباعی ۱۵۰)

← ↓ بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق): ۳۲۲، تهران: ۳۳۸

از روی تو دیده‌ها جمالی دارد
وز خوی تو عقل‌ها کمالی دارد
در هر دل و جان غمت نهالی دارد
خال تو بر آن روی تو حالی دارد

*** براساس نسخه کهن بایزید ولی‌الدین (۶۸۴ق) این رباعی قطعا از سنایی است و مولوی شکل ظاهری و مصرع اول رباعی ۵۰۵ را از رباعی ۱۵۰ دیوان سنایی اقتباس کرده‌است.

۳- نتیجه‌گیری

قطعا برای جست‌وجوی رباعیات سنایی در میان رباعیات مولانا نمی‌توان فقط به نسخ خطی و دیوان چاپی سنایی اکتفا کرد، زیرا رباعیات سرگردان فراوانی به تکرار در دیوان شعرای متقدم آمده که در اغلب موارد به طور قطعی نمی‌توان سراینده آنها را مشخص کرد، بنابراین در پژوهش حاضر برای یافتن و بررسی دقیق‌تر رباعیات سنایی در میان رباعیات دیوان کبیر مولانا، علاوه بر بررسی دیوان چاپی و مهم‌ترین نسخ خطی دیوان سنایی، آثار دیگر شعرا و نویسندگان متقدم مولانا نیز بررسی شد تا نتایج دقیق‌تری به دست آید.

۲۶ رباعی از دیوان کبیر مولانا به ۲۲ رباعی از دیوان سنایی به تصحیح مدرس رضوی شباهت دارد، ۹ رباعی دیگر نیز بعد از بررسی مجموعه «نزه‌المجالس» و چهار نسخه خطی دیوان سنایی، به مجموع رباعیات مشابه و مشترک کبیر و دیوان سنایی افزوده شد. از مجموع ۳۵ رباعی مشترک و مشابه، ۴ رباعی از دیوان کبیر به رباعیات سنایی شباهت کامل دارد. ۱۶ رباعی دیگر، همراه با تفاوت‌ها و تغییراتی در برخی از واژگان، در چهار مصرع، ۴ رباعی در سه مصرع، ۷ رباعی در دو مصرع و ۴ رباعی نیز در یک مصرع، به رباعیات سنایی شباهت دارند.

براساس بررسی‌ها، ۲۴ رباعی از دیوان کبیر، براساس دو نسخه کهن «کابل» و «بایزید ولی‌الدین ترکیه» و همچنین مجموعه «نزه‌المجالس» و برخی متون کهن نثر فارسی، قطعا از سنایی است یا از رباعیات سنایی تضمین و اقتباس شده‌است. ۸ رباعی نیز، براساس نسخ

خطی متأخر و معتبر دیوان سنایی و برخی نکات و ویژگی‌های سبک‌شناسانه، انتسابشان به سنایی اقوی است، ۳ رباعی دیگر هم احتمال دارد که از سنایی یا شاعری دیگر باشد. به عبارتی دیگر این سه رباعی میان سنایی و یک یا چند شاعر دیگر مشاع و سرگردان است. در جدول زیر شماره رباعیات به همراه چگونگی انتساب آنها به سنایی آمده است:

شماره ۲۴ رباعی از دیوان کبیر که قطعاً از سنایی است یا از رباعیات او تضمین و اقتباس شده است. ۳۱۳، ۳۲۰، ۴۲۵، ۵۰۵، ۵۱۷، ۵۳۵، ۵۷۸، ۶۶۰، ۶۸۶، ۷۵۳، ۷۷۳، ۸۱۶، ۱۰۰۲، ۱۰۶۵، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۴۰۴، ۱۴۱۹، ۱۴۷۵، ۱۶۰۵، ۱۶۴۶، ۱۸۸۱، ۱۸۷۷، ۱۹۴۱	
شماره ۸ رباعی که انتساب آن به سنایی اقوی است. ۴۰۹، ۶۶۷، ۶۶۸، ۱۱۶۲، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۶۶۵، ۱۴۴۷	
شماره ۳ رباعی دیگر که از سنایی یا شاعری دیگر است. ۱۸۲۸، ۱۸۱۶، ۱۴۹۳	

پی‌نوشت

۱. «ش»: نشانه شماره رباعی در دیوان کبیر به تصحیح فروزانفر است.
۲. «عد، فذ، چت، خب، مق، فا»: علائم اختصاری نسخه‌های استفاده‌شده فروزانفر در تصحیح رباعیات دیوان کبیر است؛ «عد»: نسخه کتابخانه اسعد افندی، «فذ»: نسخه قونیه، «چت»: نسخه کتابخانه مستر چستر بی‌تی، «خب»: نسخه بلدیة استانبول، «مق»: نسخه موزه قونیه، «فا»: نسخه فیه‌مافیه محفوظ در کتابخانه استانبول.
۳. 📖 نشانه و علامت «دیوان سنایی» به تصحیح مدرس رضوی است.
۴. 📄 نشانه و علامت «نسخ خطی دیوان سنایی» است.
۵. *** در پایان داده‌های هر رباعی، به جای عبارت «تحلیل انتساب رباعی» آمده است.

منابع

- اخسیکتی، ا. ۱۳۳۷. دیوان اشعار، به تصحیح ر. فرخ، تهران: کتابفروشی رودکی.
- تبریزی، ش. ۱۳۸۵. مقالات شمس، تصحیح م. موحد، تهران: خوارزمی.
- حسینی اشکوری، س. ۱۳۸۵. سفینه صائب. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- الخرزالی النیشابوری، ح. ۱۳۷۸. *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، به کوشش م. یاحقی و م. ناصح، مشهد: پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- خویی، ح. ۱۳۷۹. *مجموعه آثار حسام‌الدین خویی*، به کوشش ص. عباس‌زاده، تهران: میراث مکتوب.

- رازی، ن. ۱۳۸۹. *مرصادالعباد*، به‌اهتمام م. ریاحی، تهران: علمی فرهنگی.
- رحیمی زنگنه، ا. یاری گلدره، س. رحمتیان، ل. ۱۳۹۶. «بازشناسی منبع ۳۸ رباعی منسوب به مولانا در متون ادبی و تاریخی». *تاریخ ادبیات*، (۸۱): ۳۶-۴۸.
- ریاحی، م. ۱۳۷۵. *نزهة المجالس (مقدمه و تعلیقات)*، ج. شروانی، تهران: علمی.
- سعد سلمان، م. ۱۳۳۹. *دیوان اشعار*، به‌تصحیح ر. یاسمی، تهران: پیروز.
- سمعانی، ش. ۱۳۸۴. *روح‌الارواح*، به‌کوشش ن. مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.
- سنایی غزنوی، ا. ۱۳۸۸. *دیوان*، به‌اهتمام م. مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- سیفی نیشابوری، ع. ۱۳۹۹. *رسائل‌العشاق و وسائل‌المشتاق*، به‌کوشش ج. بشری، تهران: مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار.
- شروانی، ج. ۱۳۷۵. *نزهة المجالس*، به‌تصحیح و تحقیق م. ریاحی، تهران: علمی.
- شعبانی، م. ۱۳۸۹. «مولوی صوفی ترانه‌گو (بررسی رباعیات مولوی و جایگاه آن در شعر فارسی)»، کتاب *ماه ادبیات*، (۴۲): ۲۲-۴۱.
- شفیعی کدکنی، م. ۱۳۸۷. *غزلیات شمس تبریز*، تهران: سخن.
- شمیسا، س. ۱۳۷۴. *سیر رباعی در شعر فارسی*، تهران: فردوس.
- الظهیری الکاتب السمرقندی. ۱۳۴۹. *اعراض السیاسة فی اعراض الریاسة*، به‌کوشش ج. شعار، تهران: دانشگاه تهران.
- عوفی، م. ۱۳۵۳. *جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات*، تصحیح ا. مصفا و م. مصفا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عوفی، م. ۱۳۵۵. *جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات*، (باب دوم و سوم از قسم اول)، تصحیح م. معین، تهران: دانشگاه تهران.
- غزنوی، س. ۱۳۸۴. *مقامات ژنده‌پیل*، تصحیح ح. موید، تهران: علمی فرهنگی.
- کاشانی، ا. ۱۳۱۱. *رباعیات باباافضل*، به‌اهتمام س. نفیسی، تهران: کتابخانه دانشکده.
- کرمانی، ا. ۱۳۶۶. *دیوان رباعیات*، به‌اهتمام ا. ابومحبوب و مقدمه م. باستانی پاریزی، تهران: سروش.
- گنجوی، م. ۱۳۹۱. *دیوان مهستی*، به‌اهتمام ج. پور، ا. نیازی و ه. اسعدی، تبریز: شایسته.
- لمعه‌السراج للحضرة‌التاج*. ۱۳۴۸. منسوب به شمس‌الدین محمد دقایقی مروزی و تاج‌الدین محمود بن محمد بن عبدالکریم، به‌کوشش م. روشن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لوئیس، ف. ۱۳۸۳. *مولوی: دیروز و امروز، شرق و غرب*، ترجمه ف. فرهنگ‌دفر، تهران: نشر ثالث.
- مرادی، ا. وفایی، ا. ۱۳۹۵. *سفینه کهن رباعیات*، تهران: سخن.
- مشتاق‌مهر، ر. ۱۳۹۶. «مآخذ استشهدات شعری فارسی مکتوبات مولانا و تکملة آن»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، (۸): ۷۷-۱۰۶.
- منشی، ن. ۱۳۹۱. *کليلة و دمنه*، تصحیح و توضیح م. مینوی، تهران: دانشگاه تهران.

منور، م. ۱۳۸۱. *اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح م. شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.*
مولوی، ج. ۱۳۶۳. *کلیات شمس یا دیوان کبیر، ج ۸، تصحیح و حواشی ب. فروزانفر، تهران: دانشگاه تهران.*

مولوی، ج. ۱۳۷۱. *مکتوبات، به کوشش ت. سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.*
میبدی، ا. ۱۳۶۳. *کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، ج ۲، به کوشش ع. حکمت، تهران: امیرکبیر.*
میرافضلی، س. ۱۳۷۶. «*هروارید کرمانی و رباعیات سرگردان*»، معارف، (۱۴): ۲۴-۳۶.
میرافضلی، س. ۱۳۹۴. *جنگ رباعی: بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی، تهران: سخن.*
همدانی، ع. ۱۳۷۷. *نامه‌های عین‌القضات همدانی، به کوشش ع. منزوی و ع. عسیران، تهران: اساطیر.*

نسخ خطی

نسخه مجموعه سفینه تبریز، ابوالمجد تبریزی، (۷۲۱ق)، شماره ۱۴۵۹۰، مجلس شورای اسلامی.
نسخه مجموعه دوازده شاعر، شماره ۱۷۰، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
نسخه مکاتبات عین‌القضات، بخش دوم، شماره ۱۶۶ ف، (۶۶۸ق)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
نسخه دیوان انوری، ۵۱ف، (۷۰۸ق)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
نسخه دیوان سنایی، موزه کابل، کتابت در نیمه دوم قرن ششم هجری قمری.
نسخه دیوان سنایی، کتابخانه بایزید ولی‌الدین ترکیه، به شماره ۱۳۴ (۶۸۴ق) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

نسخه دیوان سنایی، به شماره ۱۳۴۷۱ (۸۳۷ق)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
نسخه دیوان سنایی، دست‌نویس شماره ۲۳۲ (۱۰۰۳ق)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
نسخه دیوان سنایی، دست‌نویس شماره ۵۲۴۱ (فرن ۱۱)، کتابخانه ملک.
نسخه دیوان سنایی، به شماره ۹۹۶ (قرن ۱۱)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
نسخه دیوان سنایی، به شماره ۹۹۷ (۱۲۷۴ق)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

Tracing of 35 Quatrains Attributed to Rumi in the Manuscripts and the Printed Versions of the Sanai's Divan and Older Texts

Mahnaz Nezami- anbaran^{1*}
Rahman Moshtaqmehri²
Yadollah Nasrollahy³

Received: 2020/08/11

Accepted: 2021/06/06

Abstract

One of the poets whose quatrains can be traced in various forms among the quatrains of Rumi's Divan-e Kabir is Sana'i. After reviewing "Nozha Al-Majalis" and several valid manuscripts from Sanai's Divan, the number of common and similar quatrains to Sanai's Divan corrected by Modarres Razavi and Rumi's Divan-e Kabir corrected by Forouzanfar increased from 26 quatrains to 35 quatrains. In order to perform an accurate attribution analysis in the field of common and similar quatrains of these two poets, the works of poetry and prose of other poets and writers before Rumi, in addition to the mentioned sources, were also investigated. Out of a total of 35 common and similar quatrains, 24 quatrains from the Divan-e Kabir definitely belong to Sanai, or are guaranteed and adapted from his quatrains. 8 quatrains are most likely from Sanai, and the other 3 quatrains have been attributed to other poets in addition to Sanai. Of the Sana'i quatrains, only four quatrains are mentioned in complete and unchanged form in the Divan-e Kabir. In other cases, the quatrains are accompanied by changes that vary from a change in a few words to a change in three lines.

Keywords: Sanai's Divan, Divan-e Kabir, Common Quatrains, Manuscripts, Older texts

1. Introduction

One of the Rumi's most important works in Persian literature is his quatrains. In Badi-ol-Zaman Forouzanfar's edition of Rumi's Divan, 1983

1. Phd in Persian language and literature - mystical literature, Azarbaijan Shahid Madni University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)

* Email: mahnaznezami10@yahoo.com

2. Professor of Persian language and literature, Azarbaijan Shahid Madni University, Tabriz, Iran.

3. Associate Professor of Persian language and literature, Azarbaijan Shahid Madni University, Tabriz, Iran.

quatrains are attributed to him. In this work, traces of several quatrains can be found that belong to Sufi and non-Sufi poets before Rumi. One of the poets whose quatrains can be traced in various forms among the quatrains of Rumi's *Divan-e Kabir* is Sanai. Rumi's poetic thought and style of expression, in his quatrains, like his other poems, has been influenced by Sanai's poetic thought and style of expression. The important point about the common quatrains of the Sanai's *Divan* and Rumi's *Divan-e Kabir* is that Rumi is not only the narrator of the Sanai's quatrains, in the form of direct and unchangeable quotations, but in most cases these quatrains in the *Divan-e Kabir* are accompanied by changes.

2. Theoretical framework

Several researchers such as Franklin D. Lewis, Badi-ol-Zaman Forouzanfar, Mohammad Amin Riahi, and also the prominent researcher of Persian quatrains, Sayyid Ali Mirafzali, have mentioned the existence of quatrains from other earlier poets among the quatrains of the Rumi's *Divan-e Kabir*. However, the only research that has been written in this field is an article entitled "Recognition of the source of 38 quatrains attributed to Rumi in literary and historical texts." In this research, in most cases, the quatrains have been investigated which are mentioned in earlier prose texts from previous poets. However, studying the common quatrains of Rumi's *Divan-e Kabir* cannot be performed in such a generalized study. Conducting more specialized research, the subject can be studied better and more accurately so that more new results can be achieved. In this study, by examining the Sanai's quatrains and comparing it with Rumi's quatrains, in addition to examining other earlier works, it has been tried to investigate the traces of the Sanai's quatrains in the *Divan-e Kabir* more carefully.

3. Methodology

The most famous correction of the Sanai's *Divan* is the correction of the Modarres Razavi, however, none of the editions of the Sanai's *Divan* encompass all his quatrains. Therefore, in this article, we have also referred to the authentic manuscripts of Sanai's *Divan*. We argue that through finding all the common and similar quatrains of Sanai and Rumi, an accurate analysis in attributing the common quatrains according to the date of writing of this manuscripts can be achieved. Of course, in order to search for Sanai's quatrains among Rumi's quatrains, we did not just suffice to the Sanai's printed *divan* and the manuscripts of his *divan*, Because many wandering quatrains have been repeated many times in the

Divans of early Poets that, in most cases, the poet of these quatrains cannot be determined with certainty, so in addition to examining the printed Divan and the most important manuscripts of the Sanai's Divan, other works of earlier poets and writers, Rumi was also examined in order to obtain more accurate results.

4. Results & Discussion

The study of the common quatrains of Divan-e Kabir and the Sanai's quatrains shows that Rumi, with his own style, often uttered the Sanai's quatrains with changes, so that 35 common and similar quatrains of these two poets can be divided into five following categories:

1. Four quatrains of the Divan-e Kabir in all four lines are completely similar to the Sanai's quatrains.
2. Sixteen quatrains from the Divan-e Kabir, while being similar to the Sanai's quatrains in all four lines, show some differences.
3. Four quatrains of the common quatrains of the Divan-e Kabir and Sanai's quatrains are similar in three lines.
4. Seven quatrains of the Divan-e Kabir are similar to the quatrains of the Sanai's Divan in only two lines.
5. Four quatrains of the Divan-e Kabir are similar to the quatrains of the Sanai's Divan in only one line.

5. Conclusions and Suggetions

After examining the quatrains of the "Nozhat Al-Majalis" collection and four manuscripts of Sanai's Divan, another 9 quatrains were added to the common and similar quatrains of Rumi's Divan-e Kabir and Sanai's printed Divan, and based on this, the number of common and similar quatrains of the two poets reached 35 quatrains. According to the present study, 24 quatrains from the Divan-e Kabir, based on two ancient manuscripts from the Sanai's Divan, as well as the collection of quatrains, "Nozhat Al-Majalis" and certain earlier prose texts, are definitely from Sanai, or have been guaranteed and adapted from his quatrains. The 8 common quatrains are most likely to belong to Sanai, based on the recent manuscripts of the Sanai's Divan and some stylistic features. The other three common quatrains are probably by Sanai, or another poet. In other words, these quatrains, in addition to Sanai, are also attributed to one or more other early poets.

Select Bibliography

- Louis, F. 2004. *Rumi: Yesterday and Today, East and West*, translated by F. Farahmandfar, Tehran: Nashre Sales Publications. [In Persian]
- Mir Afzali, S. 2015. *Jong Robaeiyyat: Recovery and Correcting Ancient Persian Quatrains*, Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
- Mir Afzali, S.1997. "Morvarid-e Kermani and Wandering *Quatrains*", *Maaref Journal*, (14). 24-36. [In Persian]
- Moradi, A., Vafaei, M. 2016. *Safineye Kohan Robaeiyyat (The ancient book of quatrains)*, Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
- Mushtaq Mehr, R. 2017. "References of Persian poems of Rumi's writings and its completion", *Kohannameye Adab Parsi,(Classical Persian Literature)*, (8). 77-106. [In Persian]
- Rumi, J. 1984. *Kolliyat Shams or Divan-e Kabir*, vol. 8, with corrections and margins B. Forouzanfar, Tehran:University of Tehran Publications. [In Persian]
- Sanai Ghaznavi, M. 2009. *Divan*, With introduction, margins and list by M. Modarres Razavi, Tehran: Sanai Publications. [In Persian]
- Seifi Neyshabouri, A. 2020. *Resa'il al-oshag and Wasa'il al-Mushtaq*, by the effort of J. Bashari, Tehran: Collection of historical and literary publications of Dr. Mahmoud Afshar. [In Persian]
- Shafi'i Kadkani, M. 2008. *Ghazaliyat-e Shams Tabriz*, Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
- Shervani, J. 1996. *Nozhat Al-Majalis*, corrected and researched by Dr. M. Riahi, Tehran: Elmi Publications. [In Persian]